

تأثیر عوامل کالبدی محیط بر افزایش حس تعلق به مکان در طراحی مجتمع‌های مسکونی ویژه افراد دارای معلولیت

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۲۸

کد مقاله: ۹۰۲۸۲

اسعد رسول‌زاده^{۱*}، مهدی سیدالماسی^۲

چکیده

با توسعه روزافزون زندگی شهری، فرآیند پیشرفت شهرها متمایل به رنگ باختن انسان و ویژگی‌های او در طراحی گشته است؛ و این موضوع در رابطه با طراحی‌های ویژه افراد دارای معلولیت بیشتر به چشم می‌خورد. براین اساس، صاحب‌نظران در علوم معماری و شهرسازی، در پی خلق فضاهایی برآمدند تا بتوانند فضایی شایسته و درخور استفاده‌کنندگان این محیط‌ها طراحی کنند؛ و این امر ممکن نبود جز با بهره‌مندی از ایجاد حس تعلق به مکان که در ارتقاء کیفیت محیط‌های شهری و فضاهای مسکونی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کرد. در این بین، عوامل کالبدی محیط به عنوان یکی از عناصر مطرح در ادراک حس تعلق به مکان از طریق همسازی و قابلیت تامین نیازهای انسان، مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر نیز، تلاش بر آن است تا بتوان با استفاده از عوامل کالبدی محیط در طراحی مجتمع‌های مسکونی ویژه معلولین، حس تعلق به مکان را در این افراد افزایش داد. از این رو، با بهره‌مندی از روش کیفی، به تحقیق و بررسی موضوع پرداخته و راهکارهایی در جهت نیل به افزایش ادراک حس تعلق به مکان ارائه می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: معلولیت، مکان، حس تعلق به مکان، عوامل کالبدی محیط، مجتمع مسکونی

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی معماری موسسه آموزش عالی اسوه معاصر تبریز - ایران (مسئول مکاتبات)

gold.plan@yahoo.com

۲- استادیار موسسه آموزش عالی اسوه معاصر تبریز - ایران

۱- مقدمه

زمانی که ارتباط انسان و محیط، مبتنی بر تجربه‌ای برای انسان باشد، محیط به مکان تبدیل می‌شود (Pretty, Chipuer et al, 2003). از دیدگاه روان‌شناسی محیطی نیز، انسان‌ها به تجربه حسی و عاطفی با محیط خود نیازمند بوده و به واسطه این همانی با مکان و یا هم‌ذات‌پنداری با آن، خود را بخشی از آن می‌دانند (رضایی، رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۲). از این رو، ارتباط حاصله بدین معنی است که مکان، یعنی یک بخش از تجربه محیطی، همراه با همگرایی شناخت‌ها، تأثیرات و رفتارهای افرادی که با آن‌ها زندگی می‌کنند (Pretty, Chipuer et al, 2003)؛ و نتیجه به دست آمده، احساس خاصی است که میان انسان و مکان ایجاد می‌شود و در چگونگی برخوردهای آنی انسان با مکان تأثیرگذار می‌باشد. مفهوم مکان در تقابل با مفهوم فضا انتزاعی شکل گرفته و به بیان دیگر، مکان، فضا دارای معناست. معنایی که در بستری از عناصر کالبدی، ارتباطات و نیز زمان شکل گرفته و بیانگر احساس و دل‌مشغولی انسان، اعم از فرد یا گروه، نسبت به محیط زندگی خود خواهد بود. از نتیجه این فرآیند، تبدیل فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی متمایز برای افراد، به حس مکان تعبیر می‌شود. حسی که در نتیجه ادراک فرد از محیط که در ارتباط بیرونی با محیط قرار داده، فهم و احساس وی را آگاهانه یا ناآگاهانه با زمینه معنایی مکان پیوند داده و یکپارچه می‌سازد. در چنین شرایطی است که حس انسان نسبت به یک مکان در وی ایجاد حس تعلق خاطر کرده و اتصال بین انسان و مکان وی شکل می‌گیرد (رضایی، رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۵). این حس، عامل مهمی در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی انسان و محیط بوده، و در نهایت منجر به ایجاد محیط‌های با کیفیت می‌شود (قشقای، موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۲). در بررسی رابطه انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی‌های محسوس محیط و معانی و پیام‌های برخاسته از آن حائز اهمیت است. ویژگی‌های کالبدی محیط شامل تعاملات اجتماعی و هم‌چنین معانی هویتی و ذهنیت، بر القا حس تعلق به مکان تأثیرگذار می‌باشد (Razavian, Shamspooya et al, 2014: 10).

معلولین، به عنوان بخشی از بدنه اجتماع و به عنوان یک انسان در جامعه، این حق را دارند که مانند انسان‌های دیگر در جامعه زندگی کنند. مطابق آمارهای جهانی، حدود ۱۰٪ افراد جهان را معلولین تشکیل می‌دهند (حکمت‌نیا، موسوی، ۱۳۸۵)؛ بنابراین باید به معلولین به عنوان یک گروه بزرگ اجتماعی توجه شود (ضرابی، صابری و همکاران، ۱۳۹۰). عدم توجه به نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها، ادراکات و رفتارهای آن‌ها در زندگی روزمره، در نظر نگرفتن شرایط جسمانی و روانی همه اقشار و سنین جامعه، لحاظ نکردن خصوصیات فرهنگی و اجتماعی افراد و بسیاری از مسائل اساسی از این قبیل، در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری، سبب ایجاد فضاهایی آسیب‌پذیر و مشکل‌دار شده که تنها تعداد معدودی از افراد را در خود جای می‌دهد (داودپور، صوری، ۱۳۹۱: ۱۲۶). طراحی معماری، ارتباطی مستقیم با نیازمندی‌های انسان دارد. در جهت دستیابی به این نیازمندی‌ها، ابعاد و محدوده دسترسی انسان باید مورد مطالعه و شناخت کامل قرار گیرد. به عبارتی، آنتروپومتری (انسان‌شناسی) که عبارت از مطالعه و شناخت، اندازه‌ها و محدوده دستیابی انسان است؛ قدم مطمئنی در این راستا محسوب می‌شود (جغتایی، ۱۳۹۴).

احساس تعلق فرد به مکان زندگی، از موضوعات مورد بحث در علوم مختلف از جمله معماری است. یک معمار وظیفه دارد مکان را به صورت تمام و کمال در ذات خود آشکار کند. در واقع، در بنا است که مکان به مخاطب خود اهدا می‌شود. هنر معماری با ساختن خلاقانه مکان وظیفه دارد که خصوصیات محیط را گردآوری کرده و در مکان نشان دهد (صافیان، انصاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۴). به عقیده نوربرگ شولتز^۱ (۱۹۹۷)، هویت مکان موجب هویت انسان می‌شود؛ و حاضر کردن مکان از کارکردهای اصلی هنر معماری به شمار می‌آید (Razavian, Shamspooya et al, 2014: 10). هم‌زمان با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه سکونت و زندگی مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته شده افزایش یافته و نقش طراحی به عنوان ابزاری برای شکل دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است. لذا، یکی از دغدغه‌های مهم برنامه‌ریزان و طراحان شهری، افزایش حس تعلق به محیط در بین استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری است (قشقای، موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۲). در پژوهش حاضر، سعی بر آن بوده که با بررسی عناصر کالبدی محیط، به ارائه راهکارهایی در جهت طراحی مجتمع‌های مسکونی ویژه افراد دارای معلولیت با نگرش افزایش حس تعلق به مکان پرداخته شود.

۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر را می‌توان با پرسش چگونه می‌توان با بهره‌گیری از عناصر کالبدی محیط، حس تعلق به مکان را در مجتمع‌های مسکونی ویژه معلولین افزایش داد؟ آغاز کرد. برای پاسخگویی به پرسش مطرح شده، هدف پژوهش را می‌توان بررسی نحوه تأثیرگذاری عناصر کالبدی محیط در طراحی مجتمع‌های مسکونی ویژه افراد دارای معلولیت جهت افزایش حس تعلق به مکان در معلولین بیان کرد. با توجه به پرسش و اهداف پژوهش، روش مورد استفاده در این تحقیق به صورت کیفی و توصیفی

مدنظر قرار گرفته است. در روش توصیفی، یافته‌اندوزی مطالعات کتابخانه‌ای، شامل فیش‌برداری از منابع مکتوب صورت گرفته است. در این روش، پژوهشگر تلاش می‌کند نمودهای واقعیت را ترسیم کند. پژوهش‌های کیفی، دربرگیرنده معانی، مفاهیم، تعاریف، نمادها و توصیف‌هایی هستند که در آن کاربرد دارند و تلاشی است در جهت توصیف غیر کمی از حوادث، موقعیت‌ها و گروه‌های کوچک اجتماعی با توجه به جزئیات و تلاش در ارائه تعبیر و تفسیر از معانی که انسان‌ها در موقعیت‌های عادی و طبیعی حاکم به زندگی خود و حوادث می‌بخشند. با توجه به روش‌های پژوهش، به نظر می‌رسد که می‌توان با بهره‌مندی از عناصر کالبدی محیط، بتوان حس تعلق به مکان را در طراحی مجتمع‌های ویژه افراد دارای معلولیت افزایش داد.

۳- مفهوم معلولیت

درخصوص واژه معلولیت، سازمان بهداشت جهانی^۱ در سال ۱۹۸۱، معلولیت را وجود اختلال در رابطه فرد با محیط تعریف کرده است. براساس تبصره ماده قانون جامع حمایت از معلولان، معلول به افرادی اطلاق می‌شود که به تشخیص کمیسیون پزشکی سازمان بهزیستی در اثر ضایعه جسمی، روانی و یا توام، اختلال مستمر در سلامت و کارایی عمومی ایجاد کرده، به طوری که موجب کاهش استقلال در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی گردد (مستقیمی، جبرائیل و همکاران، ۱۳۹۵). هر نوع کمبود یا فقدان توانایی (ناشی از اختلال) که فعالیت فرد را برای انجام امری به روشی که افراد عادی انجام می‌دهند محدود سازد، یا دامنه فعالیت او را از حالت طبیعی خارج کند، معلولیت گفته می‌شود (احدی، نورانی، ۱۳۹۳: ۲۷). به عبارت دیگر، محرومیت و وضعیت نامناسب یک فرد که پیامد نقص و ناتوانی بوده و مانع از انجام نقشی می‌شود که با توجه به شرایط سنی، جنسی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی برای فرد در نظر گرفته شده است، معلولیت مطرح می‌شود (Barbotte, Guillemin, 2001). بنابر تعریف کنوانسیون بین‌المللی حقوق معلولین (۲۰۰۶)، معلولیت عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل ذهنی، جسمی، اجتماعی و یا ترکیبی از آن‌ها که به نحوی در زندگی شخصی اثر سوء دارد و مانع از ادامه زندگی وی به صورت طبیعی می‌گردد؛ و غالباً به دلیل عدم امکان زندگی مستقل از نظر شخصی و اجتماعی نیازمند خدمات توان‌بخشی می‌باشد. همچنین، معلولیت به ناتوانی در انجام تمام یا قسمتی از ضروریات عادی زندگی فردی یا اجتماعی گفته می‌شود که علت آن وجود یک نقص مادرزادی یا عارضی در قوای جسمانی یا روانی فرد می‌باشد. نقص عارضی ممکن است ناشی از سیر طولانی یک بیماری باشد، یا نتیجه تصادفات، حوادث کار، اتفاقات، جنگ و ... از نظر این سازمان، اشخاص دارای معلولیت، شامل کسانی می‌شوند که دارای عارضه درازمدت فیزیکی، ذهنی، فکری یا حسی می‌باشند که در تعامل با موانع گوناگون امکان دارد مشارکت کامل و موثر آنان در شرایط برابر با دیگران در جامعه متوقف شود (زرین کفشیان، ۱۳۹۵: ۱۸۵).

۴- مفهوم مکان

منظور ما از مکان، مفهوم مجرد و کلامی آن، به معنی یک جا نیست. مکان، جا یا قسمتی از یک فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند، صاحب هویت خاصی شده است (گروتز، ۱۳۹۰). همچنین، در تعریف ماهیت مکان، آن را کلیتی شامل اشیاء و عناصر کالبدی ساخته شده و آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب می‌شود، می‌داند و ساختار مکان را شامل منظر، سکنی‌گزینی، فضا و شخصیت تعریف می‌کند (رهبر، هدفی، ۱۳۹۶). ادوارد رلف^۲ (۱۹۴۴)، مکان را ترکیبی از اشیاء طبیعی و انسان ساخت، فعالیت‌ها (عملکرد) و معانی می‌داند که تجربه آن می‌تواند در مقیاس وسیع از یک اتاق کوچک تا یک قاره را دربرداشته باشد. از نظر وی، مکان واجد ۳ خصوصیت محدوده کالبدی، فعالیت‌ها و معانی می‌باشد که آن را از حالت یک فضا خارج و به یک مکان با یک تجربه ذهنی برای فرد تبدیل می‌کند (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰). درواقع، مکان پدیده‌ای کلی و کیفی است که نمی‌توان آن را به هیچ یک از خصوصیات آن، بدون ازدست دادن طبیعت واقعی‌اش کاهش داد (نوربرگ شولتس، ۱۳۸۸).

۵- مفهوم حس تعلق به مکان

از نظر سیتالو، تعلق مکانی از جنبه‌های روان‌شناختی و هویتی تفسیرپذیر است. در روان‌شناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با محیط یا فضا خاص اطلاق می‌شود؛ و از نظر هویتی، تعلق مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی‌ای است که در آن زندگی می‌کند (قشقایی، موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۳). حس تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. تعلق به مکان که برپایه حس مکان به وجود می‌آید، فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. حس تعلق به مکان سبب ایجاد پیوند میان فرد و مکان شده و با وجود این حس، انسان

1- World Health Organization

2- Edward Relph

خود را جزئی از مکان دانسته و براساس تجربیات خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد و مکان برای او قابل احترام می‌شود. بنابراین، حس تعلق مکانی، مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید. به عبارت دیگر، حس تعلق مکان با مفهوم حس مکان به معنا ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود می‌باشد، که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به گونه‌ای که فهم و احساسات فرد با زمینه معنایی محیط پیوندخورده و یکپارچه می‌گردد. این حس، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود (شیخ اکبری، سهیلی، ۱۳۹۴). حس تعلق یکی از علائم و عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان - محیط و ایجاد محیط‌های انسانی با کیفیت می‌باشد. این سطح از معنا محیطی، بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده و در این سطح، فرد نوعی هم ذات‌پنداری بین خود و مکان احساس می‌نماید. شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد؛ بدین منظور، محیط‌هایی باخوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جز محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد (جوان‌فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۴). بنابراین، حس تعلق، ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد، در طراحی به صورت نمود کالبدی خود را نمایان می‌سازد (حیدری، مطلبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۶).

۶- عناصر کالبدی محیط در حس تعلق به مکان

براساس نظریه مکان - رفتار در روانشناسی محیطی، محیط به دو عامل فعالیت و کالبد دسته‌بندی می‌شود. فعالیت‌های حاکم در محیط براساس عوامل اجتماعی، کنش‌ها و تعاملات عمومی انسان‌ها تعریف می‌شود؛ و کالبد، به همراه متغیرهای فرم و ساماندهی اجزاء، مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری حس تعلق محیط ارزیابی می‌شود (قشقای، موحد و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۶۴). محققین بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عاملی مهم در شکل‌گیری حس تعلق تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرایند حس تعلق ضروری می‌دانند (حیدری، مطلبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). تعلق کالبدی به مکان، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی است. ریجر^۱ و لاوارکاس^۲ در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه‌داری یاد نمودند که براین اساس، فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنا تعلق، به خاطر می‌سپارد (Riger, Lavrakas, 1981). پروشانسکی بر ضرورت توجه به عناصر کالبدی در محیط انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت فردی انسان اشاره نموده است. وی با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزئی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط‌های مختلف تبیین می‌کند (حیدری، مطلبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). شکل، اندازه، رنگ، بافت و مقیاس به عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک نقش موثری در شکل‌گیری حس تعلق داشته و نوع ساماندهی و چیدمان اجزاء کالبدی نیز عامل موثر دیگر است. از سویی عناصر کالبدی از طریق همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسان در مکان، در ایجاد حس تعلق موثر هستند (جوان‌فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰: ۳۳). از نظر فریتز استیل، مهم‌ترین عوامل کالبدی موثر در ادراک حس تعلق به مکان؛ اندازه مکان، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری است (Steele, 1981). در جدول شماره ۱، به بیان برخی از عوامل کالبدی موثر در ادراک حس تعلق به مکان از دیدگاه برخی از صاحب‌نظران پرداخته شده است.

جدول شماره ۱: عوامل کالبدی موثر در ادراک حس تعلق به مکان (صدریان، حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۸)

اندیشمندان	توضیحات
کوپن لینچ ^۳ (۱۹۸۰)	سرزندگی، معنی، سازگاری، دسترسی، کنترل و نظارت، کارایی، عدالت
سالواسن ^۴ (۲۰۰۲)	موقعیت، منظر، شخصیت کالبدی، مالکیت، اصالت، وسایل رفاهی، طبیعت مانند آب، گیاهان، آسمان، خورشید و فضاهای خصوصی و جمعی
متیو کارمونا ^۵ (۲۰۰۳)	دسترسی، فضا همگانی، ایمنی و امنیت، منظر شهری، اختلاط کاربری
ماریا لویکا ^۶ (۲۰۱۱)	اندازه، محصوریت، تنوع، مقیاس، بومی‌گرایی، استفاده از یک عنصر متمایز (نماد)

- 1- Riger
- 2- Lavrakas
- 3- Kevin A. Lynch
- 4- Salvesen
- 5- Matthew Carmona
- 6- Maria Lewicka

اندیشمندان	توضیحات
شبعه (۱۳۸۹)	خوانایی، نفوذپذیری، محصوریت، مجاورت، ساختار سلسله مراتبی

۷- جمع بندی

مسکن سازگار، یک طراحی مناسب و بهینه است که خانه مسکونی را برای طیف وسیعی از انسان‌ها قابل سکونت کرده و به واحد مسکونی، امکان انطباق با نیازهای همه افراد، اعم از ساکنین با هر نوع ناتوانی حرکتی، در هر سن و یا وضعیت جسمانی را می‌دهد. این مسکن، با طراحی اصولی، مناسب و در نظر گرفتن راه‌حل‌های ساده و بهینه برای پاسخگویی به نیازهای افراد ناتوان، استقلال فیزیکی و حرکتی آن‌ها را افزایش داده و از نیاز آن‌ها به دیگران می‌کاهد (Alalhesabi, Borhani, 1385). هر اندازه که فرد، مدت زمان بیشتری را در مکان حضور یافته و از حضور خود در آن مکان، رضایت کافی داشته باشد؛ در این صورت، احساس تعلق بیشتری به مکان خواهد داشت. این حس تعلق به مکان، ترکیبی از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که می‌توان آن را در طراحی با کمک عناصر کالبدی محیط نمایان ساخت (حیدری، مطلبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸). با توجه به مطالعات صورت گرفته در زمینه عناصر کالبدی محیط، و دسته‌بندی‌های ارائه شده از عناصر تاثیرگذار در ادراک حس تعلق به مکان، می‌توان مواردی را در زمینه طراحی مجتمع‌های مسکونی که با کمک عناصر کالبدی محیط درصد فراهم کردن محیطی مناسب برای استفاده تمامی افراد، علی‌الخصوص افراد دارای معلولیت می‌باشد، را به صورت جدول شماره ۲ مطرح کرد.

جدول شماره ۲: راهکارهای پیشنهادی

متغیر	توضیحات
دسترسی	<ul style="list-style-type: none"> - ورودی ساختمان حتی‌المکان هم سطح پیاده‌رو باشد. - به منظور تسهیل در حرکت، پیش‌بینی سطحی هموار در هر دو سوی در الزامی است. - حداقل عمق فضا جلو ورودی: ۱۴۰ سانتی‌متر - حداقل عرض بازشو ساختمان: ۱۰۰ سانتی‌متر - حداقل عرض راهرو: ۱۴۰ سانتی‌متر - حداقل عرض سطح شیبدار: ۱۲۰ سانتی‌متر - برای سطوح شیبدار تا ۳ متر طول: حداکثر شیب ۸ درصد با عرض حداقل ۱۲۰ سانتی‌متر - در سطوح شیبدار بیش از ۳ متر طول (تا حد مجاز ۹ متر)، به ازای هر متر افزایش طول، ۵ سانتی‌متر به عرض مفید آن اضافه و ۰/۵ درصد از شیب آن کاسته می‌شود. - حداقل ابعاد پاگرد سطح شیبدار باید ۱۵۰×۱۵۰ سانتی‌متر باشد.
مقیاس انسانی	<ul style="list-style-type: none"> - حداقل عرض مفید هر لنگه در برای عبور صندلی چرخدار: ۸۰ سانتی‌متر - حداکثر ارتفاع دید از کف تمام شده: ۱۰۰ سانتی‌متر - درها باید دارای پاخور به ارتفاع ۲۵ سانتی‌متر باشند. - حداقل ابعاد مفید اتاقک آسانسور: ۱۱۰×۱۴۰ سانتی‌متر - حداقل اندازه فضاهای سرویس بهداشتی باید ۱۵۰×۱۷۰ سانتی‌متر باشد، تا گردش صندلی چرخدار در آن امکان‌پذیر باشد. - ابعاد پارکینگ قابل استفاده برای افراد معلول: ۵/۵×۳/۵ متر
بافت	<ul style="list-style-type: none"> - کف راهرو باید غیرلغزنده باشد و از نصب کفیوش‌ها با پرز بلند خودداری شود. - کف سطح شیبدار باید غیرلغزنده، ثابت، سخت و صاف باشد. - پوشش کف آسانسور محکم، ثابت و غیر لغزنده باشد. - کف فضاهای بهداشتی باید غیر لغزنده باشد. - پله باید از جنس سخت و غیر لغزنده باشد.
رنگ	<ul style="list-style-type: none"> - رنگ درها و چارچوب آن‌ها باید در تضاد با رنگ دیوار همجوار خود باشد. - درهایی که به فضاهای خطرناک برای اشخاص نیمه بینا و نابینا باز می‌شوند (مانند درهای بارانداز، اتاق‌های تأسیسات حرارتی، انبارها و مشابه آن‌ها) باید با اختلاف رنگ مشخص شوند. - لازم است دکمه‌ای که طبقه همکف (ورودی) را نشان می‌دهد، با اختلاف رنگ مشخص شده و کلیه دکمه‌های کنترل کننده آسانسور دارای رنگی متضاد با رنگ زمینه خود بوده تا برای افراد نیمه‌بینا قابل تشخیص باشد. - رنگ در اتاقک آسانسور، در تضاد با رنگ دیوار همجوار خود باشد. - به منظور هدایت افراد نیمه‌بینا به مکان‌های عمومی، لازم است با استفاده از چراغ‌ها و رنگ‌ها به علامت‌گذاری در طول مسیر پرداخت.

متغیر	توضیحات
علایم	<p>– پیاده‌رو منتهی به ورودی قابل دسترسی باید با علایم حسی برای افراد نابینا و نیمه بینا مشخص شود.</p> <p>– علایم و نوشته‌ها باید واضح بوده و فاقد انعکاس نور و در تضاد با زمینه خود باشند. مانند نوشته‌های روشن روی زمینه تاریک یا بالعکس.</p> <p>– وجود علایم حسی در کف، قبل از ورود به قفسه پله و در پاگردها برای هشدار به نابینایان الزامی است.</p> <p>– در کنار دکمه‌های آسانسور، نصب خط بریل برای نابینایان الزامی است.</p> <p>– لازم است توقف آسانسور با علامت صوتی مشخص شود. علامت صوتی باید طوری تنظیم گردد که برای بالا رفتن، یک بار و پایین آمدن دو بار به صدا درآید.</p> <p>– هشداردهنده لامسه‌ای باید شناخته شده و در محدوده یک ساختمان یک نواخت باشد.</p> <p>– درهایی که به فضاهای خطرناک برای اشخاص نیمه بینا و نابینا باز می‌شوند (مانند درهای بارانداز، اتاق‌های تأسیسات حرارتی، انبارها و مشابه آن‌ها) باید با علایم حسی - لامسه‌ای مشخص شوند.</p>
اندازه	<p>– اشیا نصب شده روی دیوار راهرو، که لبه خارجی آن‌ها بین ۷۰ تا ۲۰۰ سانتی‌متر بالا کف تمام شده باشد، نباید پیش از ۱۰ سانتی‌متر در مسیر راهرو پیشامدگی داشته باشد. پیشامدگی اشیا نصب شده روی دیوار راهرو که ارتفاع لبه خارجی آن‌ها کمتر از ۷۰ سانتی‌متر از کف تمام شده است، مشروط بر آنکه عرض مفید عبوری رعایت گردد، به هر اندازه از دیوار مجاز است.</p> <p>– حداقل بین دو در متوالی چنانچه هر دو در، در یک جهت باز شوند ۲۰۰ سانتی‌متر، و چنانچه هر دو به داخل باز شوند، ۲۸۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– درها باید حدالمقدور بدون آستانه باشند. در صورت اجبار، حداکثر ارتفاع آستانه ۲ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– ارتفاع دستگیره (برای در و پنجره) از کف حداکثر ۱۰۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– زاویه بازشو در باید حداقل ۹۰ درجه باشد.</p> <p>– باید فاصله بین میله دستگرد و دیوار حداقل ۴ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– ارتفاع دکمه‌های کنترل‌کننده در داخل و خارج از اتاق آسانسور ۱۰۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر، فاصله آن‌ها از گوشه اتاق آسانسور، ۴۰ سانتی‌متر، حداقل برجستگی آن ۱/۵ سانتی‌متر، حداقل قطر آن ۳ سانتی‌متر و نیز قابل استفاده برای نابینایان باشد.</p> <p>– فضا آزاد زیر دوش باید ۱۲۰×۱۲۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– ارتفاع لبه پایین آینه دستشویی افراد معلول از کف حداکثر ۹۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– شیرهای دستشویی باید به صورت اهرمی و به راحتی باز و بسته شوند و حداکثر فاصله آن‌ها از لبه جلو دستشویی ۶۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– ارتفاع آویز حوله، جای صابون و یا دستگاه خنک‌کن برقی از کف نباید بیش از ۱۰۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– فضا آزاد کف، در جلوی وان باید به ابعاد ۸۰×۱۵۰ سانتی‌متر باشد.</p> <p>– علایم داخلی ساختمان باید در کنار و طرف قفل درها و در ارتفاع بین ۱۴۰ تا ۱۷۰ سانتی‌متر از کف تمام شده نصب شوند.</p> <p>– حداقل سطح کاری با عرض ۷۵ سانتی‌متر و ارتفاع بین ۷۵ تا ۸۵ سانتی‌متر، با فضا آزاد برای قرارگیری پا به عمق ۴۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۶۵ تا ۷۰ سانتی‌متر، باید در آشپزخانه در نظر گرفته شود.</p> <p>– ارتفاع قفسه ظرفشوها باید ۷۰ تا ۸۵ سانتی‌متر از کف و قابل برداشتن باشد.</p> <p>– ارتفاع قفسه‌های قسمت پایین باید حداکثر ۸۰ سانتی‌متر از کف باشد. حداکثر ارتفاع پایین‌تر طبقه قفسه‌های فوقانی ۱۲۰ سانتی‌متر باشد.</p>
صدا	<p>– نصب سیستم‌های هشدار دهنده شنیداری و دیداری در کلیه ساختمان‌های عمومی الزامی است.</p>
فضاهای جمعی	<p>– ورودی‌های قابل دسترس باید توسط راه قابل دسترس به ایستگاه وسایل خلبان‌های عمومی و پیاده‌روها مرتبط باشند.</p> <p>– ارتفاع فواره آب نباید از ۹۰ سانتی‌متر از کف تمام شده بیشتر باشد.</p>
امنیت	<p>– کلیه درها و پنجره‌هایی که تا کف دارای شیشه هستند، در مقابل ضربه محافظت شوند.</p> <p>– نصب دستگرد در طرفین پله الزامی است.</p> <p>– در کناره‌های عرضی پله، پیش‌بینی جزئیات اجرایی به نحوی که مانع لغزش عصا شود الزامی است.</p> <p>– میله دستگرد در دو طرف رامپ و یا راه پله باید به صورت ممتد باشد.</p> <p>– آغاز و پایان میله دستگرد در دو طرف رامپ و یا راه پله باید به صورت مدور و بدون تیزی باشد، و یا باید به طرف کف، دیوار و یا پایه برگشته باشد.</p> <p>– میله دستگرد باید در محل اتصال خود ثابت باشد.</p>

۸- نتیجه گیری

آفریننده مکان، مردم هستند. اما طراحان، امکان این رخداد و ساختار فضایی آن را خلق می کنند. اگر این ساختار فضایی، واجد زیبایی محیطی باشد، افراد و مخاطبان خود را وارد سطوح حس تعلق به مکان خواهند کرد (شاهچراغی، بندرآباد، ۱۳۹۴). با در نظر گیری این موضوع، می توان بیان کرد که بیشترین تلاش هایی که در این زمینه جهت مناسب سازی فضاهای مسکونی ویژه افراد دارای معلولیت صورت می گیرد، در جهت رفع موانع حرکتی، افزایش حضور این افراد در فضاهای مختلف، افزایش آسایش و آرامش آنان در زندگی شخصی شان می باشد. محیط زندگی معلولین باید به گونه ای باشد که آمادگی و ظرفیت کافی جهت ارائه امکانات لازم و تسهیلات مورد نیاز این قشر را داشته باشد. در نتیجه، باید در طراحی واحدهای مسکونی سازگار، بر پتانسیل تطبیق فضاها با نیازهای این افراد توجه ویژه ای شود (مجیدی، ۱۳۹۱: ۱۵).

مراجع

۱. احدی، محمدرضا؛ نورائی، پرنیان. (۱۳۹۳)، «مطالعه تطبیقی ارتقاء ایمن سازی شبکه معابر شهری برای معلولان و افراد کم توان جسمی - حرکتی»، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۳۳، ۲۳-۴۴
۲. جغتایی، قاسم (۱۳۹۴)، «نقش معماری و فضاهای شهری در شکل دهی مناسب به جایگاه افراد کم توان حرکتی در راستای تحقق پایداری اجتماعی»، همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران، یزد
۳. جوان فروزنده، علی؛ مطلبی، قاسم (۱۳۹۰)، «مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، مجله هویت شهر، شماره ۸، سال پنجم، ۲۷-۳۷
۴. حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، «کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای»، یزد: انتشارات علم نوین
۵. حیدری، علی اکبر؛ مطلبی، قاسم؛ نگین تاجی، فروغ (۱۳۹۳)، «تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمع های مسکونی امروزی»، نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۳، ۷۵-۸۶
۶. داودپور، زهره؛ صیوری، فرزانه (۱۳۹۱)، «بکارگیری تکنیک FMEA در عرصه شهرسازی به منظور پیشگیری و حل مشکلات فضاهای شهری مطالعه موردی بوستان دانشجو در تهران»، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۲۵-۱۴۶
۷. رضایی، سولماز؛ رفیعیان، مجتبی؛ ارغان، عباس (۱۳۹۵)، «ارزیابی تاثیرپذیری حس تعلق شهروندی از حس مکان با تاکید بر مولفه معنایی آن؛ نمونه موردی: شهر جدید پردیس»، فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری، شماره ۴۴، ۴۱-۶۴
۸. رهبر، شبنم؛ هدفی، فرزانه (۱۳۹۶)، «مقایسه تطبیقی فضاهای اداری دو مجتمع تجاری مجموعه ستاره باران و لاله پارک تبریز با تاکید بر مفهوم حس مکان»، مجله علمی رویکردهای پژوهشی در مهندسی عمران و معماری، سال دوم، شماره ۶، ۸۱-۹۶
۹. زرین کفشیان، غلامرضا (۱۳۹۵)، «بررسی وضعیت طرد اجتماعی معلولین: مورد مطالعه معلولین جسمی و حرکتی تحت پوشش اداره بهزیستی شهرستان ری»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۴۳، ۱۷۷-۲۰۱
۱۰. شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا (۱۳۹۴)، «محاط در محیط: کاربرد روان شناسی محیطی در معماری و شهرسازی»، تهران، سازمان جهاد دانشگاهی تهران
۱۱. شیخ اکبری، نوشین؛ سهیلی، جمال الدین (۱۳۹۴)، «بررسی میزان نقش طراحی انعطاف پذیر فضاهای آموزشی در ایجاد هویت مکان و دلبستگی مکان»، کنفرانس بین المللی یافته های نوین پژوهشی در علوم مهندسی و فناوری، مشهد
۱۲. صافیان، محمدجواد؛ انصاری، مائده؛ غفاری، علی؛ مسعود، محمد (۱۳۹۰)، «بررسی پدیدارشناختی - هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری»، نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، شماره هشتم، ۹۳-۱۲۹

۱۳. صدریان، زهرا؛ حسینی، سیدباقر؛ نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۹۳)، «ارتقاء حس تعلق به مکان از طریق نوسازی بافت فرسوده با توجه به فضای واسط (نمونه موردی: محله باغ شاطر تهران)»، نشریه علمی - پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۷، ۳۵-۴۴
۱۴. ضرابی، اصغر؛ صابری، حمید؛ محمدی، جمال؛ وارثی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل فضایی شاخص‌های رشد هوشمند، مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷
۱۵. قشقایی، رضا؛ موحد، خسرو؛ محمدزاده، حجت ا... (۱۳۹۵)، «ارزیابی حس تعلق به مکان با تأکید بر عوامل کالبدی و محیطی در سواحل شهری (مطالعه موردی: ساحل بوشهر)»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۲، ۲۶۱-۲۸۲
۱۶. گروتز، یورک کروت (۱۳۹۰)، «زیبایی شناسی در معماری»، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد؛ عبدالرضا همایون، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ هفتم
۱۷. مجیدی، فاطمه السادات (۱۳۹۱)، «بررسی و مطالعه موردی مسکن جهت بهبود کیفیت زندگی جانبازان و معلولین (جسمی - حرکتی)»، مجله علمی - پژوهشی طب جانباز، سال چهارم، شماره ۱۵
۱۸. مستقیمی، سمیرا؛ جبرائیلی، زهره سادات؛ غفرانی، سعید (۱۳۹۵)، «آسیب شناسی قوانین حقوق معماری معلولان در ایران»، سومین کنفرانس علمی و پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی ایران، تهران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین
۱۹. نوربرگ شولتس، کریستیان (۱۳۸۸)، «روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری»، ترجمه محمدرضا شیرازی، تهران، رخداندو
20. Alalhesabi M; Borhani F. (1385), Flexible Housing for Disabled, without the realization of the ideal online magazine.
21. Barbotte, E.; Guillemain, F. (2001), Neurkasen And Lord Handicap Group. World Health Organization. Bulletin of World Health Organization, 79(11), 1047-55.
22. Pretty, G.H., Chipuer, H.M., Bramston, P.(2003), Sense of Place Amongst Adolescents and Adults in two Rural Australian Towns: the Discriminating Features of Place Attachment, Sense of Community and Place Dependence in Relation to Place Identity, Journal of Environmental Psychology, 23: 273-287.
23. Razaviyan, M., Shamspooya, M., Molatabarallahi, A. (2014), The Quality of the Physical Environment and Sense of Place; Case Study: Students of Shahid Beheshti University of Tehran. Geography and Urban Experiment, Regional. 10.
24. Riger, Stephanie; Lavrakas, Paul J.(1981), Community ties: pat-terns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. American Journal of Community Psychology, 9, 55-66.
25. Steel, Firtz (1981), The Sense of Place, CBI Publishing Company, Boston.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی